

از فتح قدس تا فرار از جنگ- فروپاشی سیاست‌های جمهوری اسلامی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس بر مبنای دشمنی با اسرائیل و ایجاد گروه‌های نیابتی در منطقه شکل گرفت. این سیاست که با شعارهایی نظیر "نابودی اسرائیل" و "فتح قدس" همراه بود، در طول چهار دهه به یکی از محورهای اصلی استراتژی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی تبدیل شد. میلیارد‌ها دلار از منابع ملی ایران به جای سرمایه‌گذاری در کشور، به گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و حماس در غزه اختصاص یافت تا از طریق تأمین مالی و تسلیحاتی آنها، نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه گسترش یابد و از طریق این نیروهای نیابتی، اسرائیل تحت فشار قرار گیرد.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، بارها در سخنرانی‌های خود اعلام کرده بود که ایران هرگز با آمریکا مذاکره نخواهد کرد و سیاست "نه جنگ، نه مذاکره" را به عنوان رویکرد اصلی جمهوری اسلامی اعلام کرده بود. در جریان مذاکرات هسته‌ای برجام نیز، ایران از مذاکره مستقیم با آمریکا خودداری کرد و واسطه‌گری روسیه را برای انتقال پیام‌های خود به کار گرفت. اما این سیاست که در سال‌های اولیه انقلاب ممکن است موفقیت‌هایی را به همراه داشته باشد، امروز به بن‌بست رسیده است. نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی که روزگاری به عنوان ابزار اصلی اعمال قدرت ایران در منطقه شناخته می‌شدند، اکنون یکی پس از دیگری در حال فروپاشی هستند و خود جمهوری اسلامی نیز در مسیر انزوا و ضعف بیشتر قرار گرفته است.

یکی از بارزترین نمادهای شکست سیاست نیابتی جمهوری اسلامی، وضعیت کنونی حزب‌الله لبنان است. حزب‌الله که به عنوان نیروی نیابتی اصلی جمهوری اسلامی در لبنان و خط مقدم مقابله با اسرائیل مطرح بود، در سال‌های اخیر توان نظامی و عملیاتی خود را به طور قابل توجهی از دست داده است. حملات مکرر اسرائیل به مسیرهای انتقال سلاح از عراق و سوریه به لبنان، باعث شده که جریان تأمین تسلیحاتی حزب‌الله به شدت مختل شود و این گروه با مشکلات زیادی در زمینه تجهیز نیروهای خود مواجه باشد. علاوه بر این، اسرائیل اخیراً ضربه مهمی به نظام مالی حزب‌الله وارد کرده است. بانک قرض‌الحسن، که به عنوان مرکز پولشویی و تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی حزب‌الله شناخته می‌شود و تحت تحریم‌های غرب قرار داشت، هدف حملات اسرائیل قرار گرفت و زیرساخت‌های آن نابود شد. این اقدام، علاوه بر کاهش توانایی حزب‌الله در تأمین مالی فعالیت‌های نظامی خود، نشان‌دهنده فروپاشی اقتصادی این گروه است که روزگاری به عنوان یکی از قوی‌ترین نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی شناخته می‌شد.

در کنار شکست‌های نظامی و مالی حزب‌الله، اقتصاد جمهوری اسلامی نیز در وضعیت بحرانی قرار دارد. تحریم‌های بین‌المللی گسترده، سوءمدیریت داخلی، و فساد سیستمی، همگی دست به دست هم داده‌اند تا اقتصاد ایران را به آستانه فروپاشی برسانند. منابع مالی‌ای که پیشتر به گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه اختصاص می‌یافت، اکنون به دلیل فشارهای داخلی و نیازهای اقتصادی مردم ایران به شدت کاهش یافته است. این کاهش منابع نه تنها باعث تضعیف نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی شده است، بلکه از دست رفتن حمایت‌های مردمی در داخل کشور را نیز به دنبال داشته است. اعتراضات گسترده در سال‌های اخیر، به ویژه در شهرهای کوچک و مناطق محروم، نشان‌دهنده نارضایتی عمیق مردم از سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی است. رژیم که روزی با شعارهای انقلابی خود را قهرمان منطقه می‌دانست، اکنون با بحران‌های داخلی و نارضایتی عمومی دست و پنجه نرم می‌کند و در تلاش است تا از این بحران‌ها نجات یابد.

در عرصه سیاست خارجی نیز، جمهوری اسلامی به شدت در حال انزوا قرار گرفته است. روابط ایران با بسیاری از کشورهای همسایه، به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. سفر اخیر وزیر امور خارجه ایران به بحرین، کشوری که هیچ رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی ندارد، نمادی از این انزوای منطقه‌ای و تلاش‌های نافرجام جمهوری اسلامی برای کسب حمایت‌های منطقه‌ای است. بحرین و دیگر کشورهای منطقه که همواره نگران جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی بوده‌اند، به تلاش‌های دیپلماتیک ایران پاسخ مثبت نداده‌اند و این سفر به خوبی نشان‌دهنده ضعف و ذلت جمهوری اسلامی در جلب حمایت کشورهای منطقه است.

با توجه به همه این شکست‌ها، می‌توان گفت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به پایان خود نزدیک شده است. نیروهای نیابتی که روزگاری یکی از ابزارهای اصلی جمهوری اسلامی برای اعمال نفوذ در منطقه بودند، اکنون با مشکلات جدی مواجه‌اند و توان عملیاتی آنها به شدت کاهش یافته است. علاوه بر این، اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد و رژیم به دلیل نارضایتی‌های مردمی و اعتراضات داخلی، قادر به ادامه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی خود نیست. در نهایت، انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز باعث شده که این رژیم به دیپلماسی روی آورد و به دنبال کاهش تنش‌ها و جلوگیری از یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل باشد.

شاید بتوان گفت که جمهوری اسلامی امروز در نقطه‌ای قرار گرفته است که علی‌خامنه‌ای هرگز تصور آن را نمی‌کرد. سیاست "نه جنگ، نه مذاکره" که از سوی رهبر جمهوری اسلامی به عنوان یک راهبرد قاطع اعلام شده بود، اکنون به نقطه‌ای رسیده است که جنگ در منطقه جریان دارد و جمهوری اسلامی مجبور به درخواست مذاکره شده است. تقاضای مذاکره این بار نه از سوی کشورهای غربی، بلکه از سوی جمهوری اسلامی مطرح شده است. رژیمی که روزی به دنبال نابودی اسرائیل و فتح قدس بود، اکنون در تلاش است تا از جنگ فرار کند و خود را از بحران‌هایی که با سیاست‌های خود ساخته، نجات دهد.

مرکز انواری

سه شنبه، 22 اکتبر 2024